



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در پی نشست عمومی خود در جمعه گذشته اعلام کرد که به دلیل عدم اجرای توصیه‌هایش و با هدف جلوگیری از اشاعه مخاطرات مالی همچنان ایران را مانند چهار سال گذشته در لیست کشورهای مشمول «تدابیر تقابلی» (لیست سیاه) نگه خواهد داشت. اف‌ای‌تی‌اف آخرین گزارش ایران در ژانویه ۲۰۲۴ را فاقد هر گونه تغییر محتوایی در وضعیت برنامه اقدام ایران دانسته و فراخوان فوری ۲۰۲۰ درباره اعمال «تدابیر تقابلی» علیه ایران را تمدید کرده است. به این ترتیب، اف‌ای‌تی‌اف مقرر کرده که توصیه‌های ۹گانه‌اش که شامل تجدید نظر در روابط کارگزاری و بستن دفاتر یا شعبه‌های بانک‌های خارجی در ایران، ندادن اجازه به ایران برای ایجاد دفاتر و شعب در دیگر کشورها، اعمال محدودیت درباره تراکنش‌های مالی و روابط تجاری با ایران، منع نهادهای مالی از کار با طرف‌های ثالث مستقر در ایران و تشدید حسابرسی و نظارت بر نهادهای طرف کار با ایران ... می‌شود، همچنان درباره ایران اجرا شود.

بدون شک، عدم اجرای برخی توصیه‌های ۴۰گانه اف‌ای‌تی‌اف توسط ایران شرایط کار با کشورهای دیگر را پیچیده کرده است. قرارگرفتن ایران در لیست سیاه اف‌ای‌تی‌اف موجب شده است تا بانک‌های خارجی درباره ارائه خدمات مالی برای تبادل کالاهایی که مشمول تحریم آمریکا نیستند نیز تردید کنند یا کنترل مضاعف اعمال کنند. همچنین باید در نظر داشت که کشورهایی مانند چین، روسیه، هند و مانند اینها که عضو اف‌ای‌تی‌اف هستند، نمی‌توانند درباره توصیه‌هایی که خود در شکل‌گیری آنها نقش مستقیم داشته‌اند، بی‌اعتنا باشند. در چنین شرایطی بانک‌هایی که حاضر به کار با ایران می‌شوند، هزینه‌های بیشتری را به اقتصاد ایران تحمیل می‌کنند که مطابق برآورد کارشناسان بانکی چیزی بین هشت تا ۱۴ درصد بیشتر از معمول است. اگر حجم تجارت خارجی ایران در ۲۰۲۳ را حدود ۹۵ میلیارد دلار فرض کنیم، روشن است که ضرر مستقیمی که متوجه کشور می‌شود، چقدر است. البته ضررهای غیرمستقیم ناشی از ترکیب تدابیر تقابلی با تحریم‌ها خسارت‌های بیشتری را موجب می‌شود.

واقعاً با وضعیت عجیب و بی‌سابقه‌ای مواجه هستیم؛ چراکه با وجود ضررهای سنگین «تدابیر تقابلی» برای ایران، مخالفان رسمی و غیررسمی اف‌ای‌تی‌اف هیچ‌گاه به طور مستند و مستدل دلیل مخالفتشان را توضیح ن داده‌اند یا اگر چیزی گفته‌اند تنها برداشت نادرست خود را از اسناد مربوطه به نمایش گذاشته‌اند. در حالی که لبنان، سوریه، عراق و... به توصیه‌های اف‌ای‌تی‌اف، ازجمله درباره الحاق به دو کنوانسیون پالرمو و تأمین مالی تروریسم (CTF) عمل کرده‌اند، کسانی در ایران نگران‌اند که این توصیه‌ها مانع کمکرسانی به دوستان در این کشورها شود. در حالی که توصیه‌های اف‌ای‌تی‌اف تنها شامل سه گروه داعش، القاعده و جبهه‌النصره تعیین‌شده توسط شورای امنیت است و تحریم‌های آمریکا را به رسمیت نمی‌شناسد.

با برخلاف تصور برخی، اف‌ای‌تی‌اف هرگز از کشورها نخواست‌ه اطلاعات مالی مشتریان بانک‌های خود را که تنها در صورت دستور قضائی ملی برای نهادهای داخلی قابل دسترس است، به اف‌ای‌تی‌اف یا هر نهاد فراملی دیگر بدهند. چنین چیزی را حتی شورای امنیت تحت فصل هفتم نمی‌تواند از کشورها بخواهد. شاید درک کاملاً نادرست از توصیه‌های شماره ۲۹ و ۲۰ اف‌ای‌تی‌اف که در آنها توصیه به ایجاد «واحد اطلاعات مالی» (FIU) شده است، دلیل چنین تصویری باشد. FIU یک واحد صرفاً داخلی است که قرار است گزارش تراکنش‌های مشکوک را از بانک‌های داخلی دریافت و بررسی کند و تنها با نهادهای انتظامی داخلی کار می‌کند. کنوانسیون‌های پالرمو و CTF در حالی مسئول اصلی بر سر راه‌حل مشکلات ایران با اف‌ای‌تی‌اف هستند که به راحتی در حدود ۱۹۰ کشور تصویب شده‌اند و هیچ کشوری این اسناد بسیار فنی و حقوقی موضوع این حد از کشمکش‌های سیاسی و جناحی نبوده‌اند. CFT اختصاصاً ناظر بر تأمین مالی گروه‌های تروریستی است، بدون اینکه وارد مصادیق شود. تعیین مصادیق مطابق ماده ۴ این کنوانسیون با هر کشوری است. ظاهراً مشکل در ایراد شورای نگهبان به تعریف تروریسم در ماده CFT ۲ است. در این مورد نیز اخیراً با تصویب کنوانسیون مبارزه با تروریسم سازمان همکاری شانگهای که تعریفی جامع‌تر و قوی‌تر از تروریسم به دست داده است، قاعدتاً این مشکل هم باید حل شده باشد.

<div>سه‌شنبه ۸ اسفند ۱۴۰۲</div>
۱۷شعبان ۱۴۴۵
۲۷ فوریه ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۷۸۲
۱۵۰۰۰ تومان
۱۲ صفحه

در «شرق» امروز می‌خوانید: دستورات انتخاباتی رئیس قوه قضائیه | رئیس‌جمهوری اوکراین برای نخستین بار آمار قربانیان جنگ با روسیه را اعلام کرد | ماندگاری هوای سرد تا پایان هفته

چالش ناترازی و بهره‌وری پایین انرژی در نشستی بررسی شد

ریخت‌وپاش انرژی



گفت‌وگوی احمد غلامی با محمد ستاری فر و حجت میرزایی درباره سند چشم‌انداز بیست‌ساله

فرمان و دیوان

محمد ستاری فر؛

سند چشم‌انداز بیست‌ساله؛ تغییر گفتمان حکمرانی

حجت میرزایی؛ تکنوکراسی به معنای متعارفش وجود ندارد

در این برنامه «برخورد» در نظر داریم به مناسبت گذشت بیست سال از سند چشم‌انداز بیست‌ساله به این سند بپردازیم. بحث درباره سند چشم‌انداز بیست‌ساله مستلزم ورود به بحث توسعه است. بعد از جنگ جهانی دوم اغلب کشورها مثل کره، تایوان، اندونزی، هند و ترکیه به توسعه روی آوردند و ضرورت توسعه را احساس کردند که ایران هم یکی از این کشورها بود. اما اینکه ایران تا چه حد توانست این ضرورت را عملی کند و به اهداف برنامه‌های توسعه برسد، بحثی است که در این نشست سعی داریم با محمد ستاری‌فر و حجت میرزایی به بررسی و تحلیل آن بپردازیم. ستاری‌فر معتقد است سند چشم‌انداز یک تغییر رویکرد برای تغییر نظام حکمرانی و اجرایی ایران بوده که به نوعی تغییر در گفتمان منجر شده است. او می‌گوید: «سند چشم‌انداز یک نگاه تاریخی داشت که علل تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی‌ای که یک برنامه توسعه نیاز دارد، قبل از انقلاب به اندازه جامع و کافی به آن توجه نکرده

بودیم و در حال توسعه بودیم. بنابراین این رویکرد انتظار داشت که با توجه به علل مختلف اقتصادی و پرداختن فراگیر و با کفایت به این علل بتواند کشور را به راه توسعه و پایداری راه توسعه بکشاند که متأسفانه نشد. ستاری‌فر به اصول تغییرناپذیر توسعه اشاره می‌کند و معتقد است اگرچه توسعه هر کشوری با کشور دیگر متفاوت بوده است، اما در ادبیات توسعه و در تمام کشورهای توسعه‌یافته اصولی وجود دارد که آن اصول ثابت بوده و هنوز هم هست. او می‌گوید برنامه‌های توسعه قبل از انقلاب نتوانست به بنیان‌های توسعه‌نیافتگی ما بپردازد، که آن چگونگی تقسیم قدرت است؛ «از ابتدای پهلوسی اول تا زمان انقلاب، فرض بر این بود که قدرت از آن حکومت است و مردم قدرت ندارند. همین بحث هم بعد از انقلاب جاری و ساری شده است. اگر بگوییم قدرت از آن مردم است، حکومت کارگزار ملت می‌شود». ستاری‌فر معتقد است عدم توجه به چگونگی نظام حکمرانی و کیفیت و کارگزاری آن، در برنامه‌های قبل از انقلاب موجب شد نتوانیم به

یادداشت

سروایران‌شهر

به یاد سیدجواد طباطبایی



احسان هوشمند

سنت اندیشه سیاسی ایران‌شهر در قالب سیاست‌نامه‌ها و نیز در قالب شعر و ادب ایرانی مانند کاری که فردوسی یا حافظ کرد، به بازاندیشی در هویت ایرانی پرداختند و با دو پایه زبان و ادب فارسی به‌عنوان کالبد جان و روان مردمانی که در سده‌های متکثر است و طولانی خود را در آن زنده نگه داشته است و نیز با پایه دیگر یعنی اندیشه سیاسی ایران‌شهر به بازسازی خود پرداختند. از نظر طباطبایی دست‌کم از دوره ساسانی ایرانیان به خودگاهی تاریخی درباره ایرانیّت خود در قالب ایران‌شهر رسیده بودند. برای طباطبایی نظریه وحدت در کثرت برآمده از چنین رویکردی است؛ یعنی ایران به‌عنوان یک ملت تاریخی و نه یک ملت برآمده از تحولات دنیای مدرن صد‌ها سال پیش از دنیای جدید بر صحنه سیاسی جهان ظهور پیدا کرده است. به سخن طباطبایی احتمال دارد ایرانیان «کهن‌ترین قومی هستند که خود را به‌عنوان ملت فهمیده و در «میهن» خود نیز دولتی را تأسیس کرده‌اند که می‌توان آن را «دولت ملی» خواند». براساس این می‌توان گفت که «ایران تاریخ پایه‌ای» دارد. از دیدگاه طباطبایی این نکته هم مورد توجه قرار گرفته است که البته ایران یک واقعیت متکثر است و وحدت در کثرت، هم وحدت وجودی ایرانیان را نمایان می‌کند و هم نمایانگر کثرت ایران است که متشکل از اقوام ایرانی و ادیان و مذاهب مختلفی است. این نگرش به تاریخ سیاسی ایران و البته تأکید بر زوال اندیشه سیاسی در ایران پس از استیلای ترکان مهاجر به یکی از مهم‌ترین اجزای بررسی‌های تاریخی طباطبایی منجر شد.

برای جواد طباطبایی ایران‌زمین، سرزمین و نام عام همه ایرانیان است که دارای مرزهای سیاسی یک کشور است که هرکس بخواهد



امیرعبداللهیان در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل درژنو؛

شورای حقوق بشر، اسرائیل و حامیانش را پاسخ‌گو کند

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از حال و روز دریاچه ارومیه

یکی دو بارش دریاچه ارومیه را احیا نمی‌کند

با نمایش توانمندی و حقایقی از زندگی افراد دارای معلولیت

دست از ترحم و تمسخر معلولان برداریم

آزمون نگاه ملی برای مسئولان

حواله واردات موتورسیکلت هم کافی است

گفت‌وگو با فروزان شیرغانی، نقاش

تاریخ؛ داستان ازدست‌رفتن هویت

چقدر ذخیره آب زیرزمینی داریم؟

یادداشتی از مهدی زارع

یادداشت

شکست در تشخیص موقعیت



حسین حقگو

کارشناس اقتصاد

«قدرت باید در اختیار دوراندیشی و خرد کسانی قرار گیرد که آن را در راه خیر و صلاح عمومی به کار می‌برند».

(جان لاک، رساله‌ای درباره حکومت)

گذر از وضع طبیعی و ایجاد جامعه سیاسی یا مدنی در گرو پذیرش اراده آزاد انسان‌ها و قبول حق انتخاب آنهاست؛ گذاری که در روندی تدریجی و با سختی و صعوبت بسیار حاصل می‌شود و هدف و آماج آن، رهایی از انواع جبرها و ناآزادی‌ها و تحقق حقوقی است که منجر به آزادی و رفاه بیشتر و بهبودی زندگی انسان‌ها می‌شود. این حق انتخاب و اختیار امری نسبی است و این «حاکم‌سازی مطلوبیت»‌ها به سبب نبود امکان دستیابی به اطلاعات کامل و بی‌نقص، براساس وزن‌دهی انسان‌ها به نیازها و اهدافشان و اولویت‌بندی بین گزینه‌های ممکن و انتخاب مطلوب‌ترین آنها میسر می‌شود؛ اما در هر حال این نسبی‌گرایی باید در چارچوب و مبتنی بر پاسداشت اصول اولیه‌ای مانند حق حیات و حق مالکیت و... باشد. چنان‌که به تعبیر جان لاک اگر انسان‌ها در زمان ورود به جامعه، برابری، آزادی و قدرت اجرایی را که در وضعیت طبیعی از آنها برخوردار بوده‌اند، در اختیار جامعه قرار می‌دهند تا قانون‌گذار آنها را برای صلاح جامعه به کار گیرد، این قدرت موظف است تا جان و مال و آزادی آنها را با رفع نواقض وضعیت طبیعی از نظر دشواری و عدم قطعیت، تأمین کند. بر اساس این است که هر فردی که قدرت برتر و قانون‌گذاری یک جامعه را در دست دارد، موظف است براساس قوانینی حکومت کند که به آگاهی و تصویب مردم رسیده باشد، نه آنکه آن احکام را به میل خود وضع کرده باشد.

موارد فوق به‌ظاهر مطالبی ساده و بدیهی است و کمتر کسی با آنها مخالف است...